

فصلنامه دین و سیاست، شماره ۱۷ و ۱۸ پاییز و زمستان ۸۷، ص ۱۹۳-۱۷۳



### تأثیر اندیشه‌های علامه سید محمد باقر صدر در قانون اساسی ج.ا.ا

سجاد پناهی ارسنجانی\*

#### چکیده

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به فاصله کوتاهی پس از پیروزی انقلاب اسلامی تدوین و به وسیله مجلس خبرگان تصویب شد. محتوای این قانون عمدتاً برگرفته از تعالیم دین مبین اسلام و در برخی موارد نیز بر اساس رویه عقلا بوده است که در این میان نقش اندیشمندان اسلامی بسیار پررنگ می‌نماید. بر این مبنا تحقیق حاضر بر آن است تا اثبات کند که اندیشه‌های فقهی و سیاسی شهید محمد باقر صدر در کنار اندیشه‌های حضرت امام خمینی (ره) نقش موثری در تدوین قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران داشته است. این اندیشه‌ها با رویکردی الهی و تبیین نگاه اسلام به مفاهیمی چون حق حاکمیت الهی، جایگاه انسان در نظام آفرینش و آزادی انسان، چارچوب قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران را تعیین کرده‌اند.

واژگان کلیدی: قانون اساسی، فقه اسلامی، منطقه الفراغ، مشروعیت، ولایت فقیه.

---

\* دانش‌آموخته کارشناسی ارشد علوم سیاسی



## مقدمه

تدوین قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مسأله‌ای صرفاً داخلی و ملی نبود و اندیشمندان مسلمان بسیاری نسبت به آن احساس تعلق داشته و برای تدوین بهتر و تطابق کامل آن با موازین شرعی، از هیچ تلاشی فروگذار نمی‌کردند. در این میان نقش آیت الله سید محمد باقر صدر و تلاش‌های او در این زمینه بعد از اندیشه‌های حضرت امام خمینی<sup>(ره)</sup> حایز اهمیت و کاملاً ممتاز است.

شهید صدر از نخستین تحقیقات خود همواره در پی قانونمند نمودن جنبه‌های گوناگون جامعه اسلامی بر پایه دین مبین اسلام بود (اندیشه ماندگار، ۱، ۳۸). وی در کتاب "فدک فی التاریخ"، که اولین اثر مکتوب ایشان بود و در بیست و چهار سالگی آن را نگاشت، درباره مشروعیت حکومت از دیدگاه اهل سنت و شیعه بحث کرده است. در "اقتصاد ما" هم به برخی از مباحث حقوق اسلامی همچون قانون گذاری اشاره نموده است. اما اولین رساله‌ای را که به طور مستقیم در آن به بحث حقوق اساسی در اسلام پرداخته است، در سال‌های آغازین دهه شصت نوشت که متاسفانه قسمت عمده این اثر در جریان بازداشت‌های ایشان از بین رفت.

مهم‌ترین اثر شهید صدر در این باب "رساله لمعه فقهیه تمهیدیه عن مشروع دستور الجمهوریه الاسلامیه ایران" (اندیشه ماندگار، ۲، ۱۵) یا طرح پیشنهادی قانون اساسی جمهوری اسلامی بود که توسط حضرت آیت الله سید محمود هاشمی شاهرودی رئیس سابق قوه قضاییه ایران که رابط وی با امام خمینی (قدس سره الشریف) بود، به محضر ایشان تقدیم شد. این طرح در نهایت یکی از مهم‌ترین اسباب به شهادت رساندن ایشان شد و از شاگردان شهید صدر گرفته (مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما، ۶۱) تا محققان خارجی بر این مطلب اذعان دارند (دکمیجان، ۲۳۲-۲۳۱).

اهمیت این طرح به خاطر آن است که در مقابل پیش‌نویس قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که توسط دولت موقت به ریاست مهندس بازرگان تدوین شده بود (معموری، ۱۵۴-۱۵۳) و نظر حضرت امام (ره) و دیگر فقهارا جلب نکرده بود، تنها رقیب به شمار می‌آمد. شهید بهشتی و دیگر یاران امام راحل (ره) با اتکا به همین طرح و نظرات حکومتی امام عظیم الشان، توانستند دولت موقت را ناکام گذارند. شباهت مبنایی این رساله با پیش‌نویس ارائه شده از سوی شهید بهشتی در مجلس خبرگان قانون اساسی و قانون اساسی مصوب نشان از تاثیر مهم و حیاتی آن دارد (اندیشه ماندگار، ۲، ۱۵). البته گمان می‌رود که شهید صدر از سوی حضرت امام (ره)

مأمور به تهیه و تنظیم قوانین حکومت اسلامی شده باشد یا شهید صدر در تدوین اندیشه‌های حکومتی خود با دیگر علمای اسلامی مقیم حوزه شریف نجف اشرف مشورت کرده باشد.

متأسفانه اهمیت این کار از دید بسیاری از محققان و نویسندگان داخلی دور مانده و در غالب کتب حقوق اساسی که در دانشگاه‌ها تدریس می‌شود حتی نامی از شهید صدر برده نشده است اما در مقابل، پژوهشگران خارجی بسیاری به این مسأله پرداخته‌اند (الملاط، ۱۶-۱) از جمله یکی از استادان دانشگاه‌های آمریکا گفته است: «این موضوع اهمیت بسیاری دارد. در واقع، شواهد حاکی از آن است که اندیشه این آیت الله عرب تبار کمک عمده‌ای به چار چوب ایدئولوژیک نظام اسلامی ایران کرده است» (دکمجیان، ۲۲۲).

نقش نسبتاً ناشناخته شهید محمد باقر صدر به عنوان یکی از طراحان قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به ویژه اصول راجع به حق حاکمیت، مستلزم آگاهی از اندیشه سیاسی شهید صدر است و مطالعه آثار ارزشمند امام خمینی از جمله مباحث مطرح شده در جلسه تدریس ایشان در حوزه مبارک نجف اشرف نیز در این باره ضروری است؛ همان گونه که برای درک عمیق اعلامیه جهانی حقوق بشر، مطالعه آثار و افکار پیشگامان این نهضت همچون روسو و مونتسکیو ضروری است.

با توجه به آنچه گفته شد درک و فهم بیشتر و صحیح‌تر از فصول و اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مستلزم آگاهی بیشتر از تفکر اندیشمندان موثر در تدوین آن است.

### حق حاکمیت

شهید صدر در بیشتر مکتوباتش بخصوص در دو رساله «لمعه فقهیه تمهیدیه عن مشروع دستور الجمهوریه الاسلامیه فی ایران» و «خلافه الانسان و شهاده الانبیا» به این موضوع پرداخته و معتقد است که حاکمیت دو گونه است:

الف: حاکمیت مطلق و حقیقی که از آن خداست. (السیاده الله)

ب: حاکمیت اعتباری و نسبی که به خلیفه الله می‌رسد. این حاکمیت که در طول حاکمیت مطلق خداست، در دو بعد جانشینی نوع انسان (خلافه الانسان) و گواهی





نظارت انبیاء (شهاده الانبیاء) آشکار می‌گردد. از این منظر حاکمیت ملی نیز شعبه‌ای از خلافت انسان است که با نظارت انبیاء ربانی و احبار تکمیل می‌شود.

شهید صدر با توجه به مسلمات اصول دین مبین اسلام، حاکمیت مطلق بر جهان و انسان را از آن خداوند، و انسان را خلیفه و جانشین او بر روی زمین می‌داند و می‌گوید: «این خداوند، انسان را با خلافتش در زمین عزیز داشت و انسان از تمام عناصر هستی متمایز گردید؛ زیرا جانشین خدا بر روی زمین است» (صدر، ۱۳۹۹، ۸).

با پذیرش حاکمیت مطلق الهی و اینکه خداوند نوع انسان را جانشین خود در زمین قرار داده است (همان، ۲۹) و همگان در این جانشینی ذاتاً با هم برابرند، (صدر، ۱۳۵۹، ۱۳) سلطه‌جویی و برتری خواهی انسان بر هم نوع خود نفی می‌شود (همان، ۱۶-۱۵) و آزادی انسان بر تمام شئون سرنوشت خویش از جمله بر سرنوشت اجتماعی، به رسمیت شناخته می‌شود و غیر قابل سلب اعلام می‌گردد (همان).

اصل پنجاه و ششم قانون اساسی ج.ا.ا. از این ماده گرفته شده است که می‌گوید: «حاکمیت مطلق از آن خداست و او انسان را بر سرنوشت اجتماعی خویش حاکم ساخته است. هیچ کس نمی‌تواند این حق الهی را از انسان سلب کند یا در خدمت منافع فرد و یا گروهی خاص قرار دهد.»

### آزادی حاکمیت مطلق خدا و آزادی انسان

شهید صدر حق حاکمیت مطلق الهی را به مسئله آزادی پیوند می‌زند و در واقع، آزادی را بر این پایه استوار بنیان می‌نهد. بر داشت شهید صدر آنجا که می‌گوید: «حاکمیت مطلق از آن خداست؛ یعنی انسان آزاد است» (همان) این است که آزادی حقیقی تنها در گرو تحقق حاکمیت الهی است. طبق بند نهم از فصل یکم و بند ششم از اصل دوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، پذیرش حاکمیت الهی نه تنها آزادی را مخدوش نمی‌کند و با آن تباین ندارد بلکه ملازم آن نیز هست. امام راحل هم آزادی را در چارچوب قانون الهی قبول دارند.

شهید صدر می‌گوید: «آزادی در غرب، مدلول سلبی و ایجابی دارد» (صدر، ۱۴۰۱، ۷۸)؛ به این معنا که غرب وقتی سلطه دیگران را از خود نفی می‌کند برای خود این حق را قایل می‌شود که هر کاری انجام دهد. در مقابل، انسان در مکتب اسلام وقتی مبارزه خود را برای رهایی یافتن از انواع و اقسام سلطه‌ها شروع می‌کند در نهایت، این حق را به خود نمی‌دهد که بر خویشتن حکمرانی کند بلکه خود را در

کنار سایر قوا قرار می‌دهد. همان گونه که دیگران حق سلطه بر انسان ندارند، خود انسان هم چنین حقی ندارد و تنها پروردگار یکتاست که حق تصرف در انسان و در جهان پیرامون او را داراست.

در غرب آزادی حق انسان است به این معنا که فرد آزاد به انجام هر کاری است. اما در اسلام، انسان در برابر آزادی که هدیه‌ای الهی است مسئول است و اجازه ندارد خود را ذلیل کند. معنای آزادی در غرب فقط طرد حاکمیت دیگران نیست بلکه اثبات حاکمیت انسان بر رفتار و مذهب خویش نیز هست؛ چنان که در ماده ۱۸ و دیگر مواد اعلامیه جهانی حقوق بشر آمده است. اما اسلام قسمت ایجابی این گزاره را قبول ندارد و رهایی از اصنام و قیود ساختگی را نتیجه عبودیت مخلصانه خدا و نفی سلطه غیر او می‌داند نه نتیجه سلطه انسان بر خویش (همان، ۱۰۹-۱۰۸). البته لازمه حریت و آزادی، مسئولیت است و خداوند راه هدایت و گمراهی را بر انسان مشخص کرده و عقل و اراده را بدو ارزانی داشته است تا او خود انتخاب کند و مسئولیت این انتخاب را بپذیرد: «اناهدیناه السبیل اما شاکرا و اما کفورا» (انسان، ۳). امام خمینی<sup>(ره)</sup> درباره آزادی می‌فرماید:

آزادی خواهان کفر کیش، طالب آزادی منهای اسلام هستند در حالیکه ما و شما خواهان اسلام هستیم زیرا اسلام به ما آزادی می‌دهد البته ملت یا هرکس دیگر تا جایی آزادند که به خود و دیگران ضرر نرسانند. آزادی در حدود قانون است و این پسندیده نیست که به اسم آزادی قانون شکنی شود. اگر اهمیت آزادی را خواسته باشید بسنجید، می‌بایست به حوادث بعد از انتخابات مرحله دهم ریاست جمهوری اسلامی ایران توجه کنید زیرا از آزادی سوء استفاده شد و از مرز قانونی آن عبور کرده و به بیماری هنجار شکنی دچار شده و در نهایت به قانون شکنی که دغدغه همیشگی امام راحل بود، منجر شد و هزینه هنگفتی بر دوش جامعه اسلامی گذاشت و وحدت اجتماعی نظام اسلامی را به مخاطره انداخت (درس‌هایی از وصیت‌نامه امام خمینی، ۱۰۶).





## قانون گذاری

شهید صدر مانند رهبر کبیر انقلاب اسلامی اساس قانون گذاری در جمهوری اسلامی ایران را احکام اسلام می‌داند و همه برنامه‌ها در پرتو شریعت اسلامی وضع می‌شود. اصل چهارم قانون اساسی ایران هم به صراحت بیان می‌کند که: « کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزایی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیر اینها باید براساس موازین اسلامی باشد. این اصل بر همه اصول قانون اساسی و قوانین و مقررات دیگر حاکم است. »

امام خمینی <sup>(ره)</sup> معتقدند که تنها قانون برای اصلاح اجتماع کافی نیست بلکه جامعه نیاز به مجری (قوة مجریه) و آن هم نیازمند ولی امر است همان ولی امری که پس از رسول خدا، ائمه اطهار علیه السلام و در عصر غیبت کبری مسئولیتش به عهده فقهای عادل است.

شهید صدر در طرح خود به منطقه الفراغ و قانون گذاری در آن اشاره می‌کند. به اعتقاد ایشان، برای اموری که مشمول حکم قاطع و جوب و حرمت نباشند، قوه مقننه که نماینده ملت است قانونی را که به مصلحت مردم می‌داند به گونه‌ای که معارض اساس قوانین اسلام نباشد، تصویب می‌کند. قلمرو این قانون گذاری شامل مواردی است که شرع آنها را به صلاحدید خود مردم گذاشته و به مکلف، آزادی عمل در حد عدم معارضه با سایر احکام اسلامی داده است. این محدوده را منطقه الفراغ می‌نامیم (صدر، ۱۳۵۹، ۱۳).

شهید صدر با ارائه نظریه منطقه‌الفراغ، به تبیین حوزه قانون‌گذاری حکومت اسلامی می‌پردازد. بنابراین عقیده ایشان، اسلام در نظام قانون‌گذاری خود، محدوده‌ای را خالی از حکم الزامی قرار داده است. خالی بودن این منطقه از حکم الزامی و عدم وضع قواعد تفصیلی ثابت، امری تصادفی یا برخاسته از اهمال یا نقص در نظام قانون گذاری اسلام نیست بلکه ناشی از ماهیت متغیر این منطقه است. شارع مقدس وضع قواعد مناسب با اوضاع و احوال و مقتضیات زمان و مکان را با حفظ ضوابط و در چارچوب معینی به عهده ولی امر گذاشته است. از آنجایی که پیامبر اسلام مبلغ شریعت بودند و کلام خداوند متعال را بدون کم و کاست ابلاغ و اجرا می‌کردند در عین حال، ولی امر نیز بودند، خود در این منطقه‌الفراغ به وضع قواعد و قوانین پرداختند که قابلیت تغییر از سوی اولیای امور بعدی را خواهد داشت، در نتیجه مهم آن که ولی امر در برخورد با این احکام و روایات حاکی از آنها، می‌تواند آنها را

ثابت نداند و با رعایت ضوابط، به قانون‌گذاری دست بزنند. این کار با عنایت و از سر حکمت انجام شده و اسلام بدینوسیله، نظام قانون‌گذاری خود را جاودانه و مناسب برای همه زمان‌ها و مکان‌ها ساخته است. حکومت اسلامی باید بر اساس مصالح و مقتضیات زمان و اهداف شریعت این منطقه را پرکند (صدر، ۱۳۷۵، ۶۸۶). به عقیده اینجانب منطقه‌الفراغ میدانی است که شارع مقدس برای اعمال قدرت حاکم اسلامی قرار داده تا حاکم در چارچوب یک سیستم حکومتی الهی سیاسی بر اساس زمان و مکان و دفع افسد به فاسد به محوریت منافع امت اسلامی یا منافع مردم یک کشور با لحاظ کردن مصلحت جامعه تصویب و اجرا نماید.

ایشان، برای نمونه، به احکام اراضی موات اشاره می‌کند که از آن دولت است. پیامبر اکرم و ائمه معصومین (علیهم‌السلام) با توجه به اوضاع و احوال زمان خویش، اعلان داشته‌اند که هر کس زمین موات را احیا کند، مالک آن می‌شود. چنین حکمی در آن زمان کاملاً موجه بود، اما اکنون (که به واسطه پیشرفت صنایع یک فرد متمول می‌تواند به تنهایی مساحت زیادی را آباد و در نتیجه، تملک کند) این حکم با اهداف کلی شریعت هماهنگی ندارد. از این رو، دولت اسلامی می‌تواند حیطة این قاعده را محدود کند (انصاری، ۱۴۱۳، ۴۵-۳۵). البته در این زمینه پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ در یک ظرف زمانی کوتاه مردم دست به احیای زمین‌های منابع طبیعی (موات) زدند و دولت اسلامی هم به آنها مجوز و سند داده و وام در اختیارشان قرار داد، اما به محض این که احساس کرد منابع طبیعی دچار آسیب می‌شود جلوگیری کرده و این همان منطقه‌الفراغ است. طرح منطقه‌الفراغ شهید صدر بر تمامی فصول قانون اساسی تأثیر گذار بوده است؛ به ویژه اصول مربوط به وظایف مجلس شورای اسلامی، اختیارات ولی فقیه، اختیارات مجمع تشخیص مصلحت نظام.

### ارکان حکومت اسلامی

شهید صدر در قسمت چهارم مجموعه «الاسلام یقود الحیاه» تحت عنوان «خلافه الانسان و شهاده الانبیاء» شالوده و اساس حکومت اسلامی را همان جانشینی انسان موحد از سوی خداوند متعال بر روی زمین می‌داند. از نظر ایشان، با انتخاب مجموعه بشری به عنوان جانشین خدا بر روی زمین، لوازم مهمی بر آن مترتب می‌شود که این لوازم می‌تواند بیانگر اهداف و کارکردهای حکومت اسلامی باشد:





لازمه اول: انسان‌ها باید به یک محور که همان مستخلف (خداوند متعال) است، منتسب شوند و از انتساب به غیر بپرهیزند.

لازمه دوم: سازماندهی روابط اجتماعی بر اساس بندگی مخلصانه خدا؛ آزادسازی انسان از بندگی اصنام و نفی روابط سودجویانه و استعماری.

لازمه سوم: ایجاد روح اخوت در جامعه؛ زیرا همه در کرامت انسانی و حقوق برابرند و نسبت به یکدیگر برتری ندارند مگر بر اساس تقوا و عمل صالح. «ان اکرمکم عندالله اتقیکم» (نجم، ۳۹).

لازمه چهارم: خلافت امانت است و مسئولیت برانگیز (احزاب، ۷۲) بدین روی، باید به حکم خداوند عمل کند نه طبق خواسته شخصی خود. بنا براین حکومت اسلامی باید با دموکراسی غربی تفاوت ماهوی داشته باشد. در آن نظام‌ها، انسان حاکمیت را حق ذاتی خود می‌داند و خود را جانشین و مسئول در درگاه الهی نمی‌داند. از این رو کافی است همه انسان‌ها در امر حکومت به یک توافق برسند، اگرچه برخلافت منافع و کرامت آنها باشد؛ چرا که حداکثر گفته می‌شود: خودشان از منافع خود دست برداشته‌اند. در مقابل، براساس خلافت الهی، انسان‌ها مسئولند هرچه را که حق و عدل است به اجرا درآورند. لازمه این مسئولیت، همان مختار بودن انسان است (صدر، ۱۴۲۱، ۱۳۰-۱۲۸).

از سوی دیگر شهید صدر معتقد است: اسلام برای جلوگیری از انحراف خط خلافت و بالتبع حکومت، خط نظارت (یا به تعبیر خودش، خط شهادت) را ترسیم می‌کند. این خط همان خط انبیا و ائمه اطهار (علیهم‌السلام) و فقهاست که وظیفه‌شان نظارت و کنترل خلافت انسان‌هاست.

نکته مهم این که تا وقتی جامعه بشری به دلیل وجود حکومت‌های طاغوتی به رشد کافی نرسد، خط خلافت و خط شهادت (نظارت) متحد شده، معصومین (علیهم‌السلام) و فقها، هم خلیفه هستند و هم ناظر. ولی زمانی که بشریت به رشد و کمال برسد این دو خط متمایز شده، انسان‌ها خلافت را به عهده می‌گیرند و معصومان (علیهم‌السلام) و فقها شهادت را (همان، ۱۳۰-۱۲۰).

شهید صدر در بیان ارکان حکومت اسلامی، سه نهاد عمده را مطرح می‌کند: الف: امت ب: رهبری (مرجعیت) ج: ساختارسیاسی. (قوای سه گانه) از دیدگاه او، مردم در عصر غیبت با هدایت و رهبری مرجع، حکومت را تشکیل می‌دهند و نهادهای آن را به وجود می‌آورند.



## الف: امت

از نقطه نظر شهید صدر، امت یا مردم مسلمان مهم‌ترین بخش حاکمیت را تشکیل می‌دهند و مقبولیت حکومت در گرو رأی و نظر مردم است. بنابراین، حاکمیت مورد نظر یک حاکمیت شرعی - مردمی است که در آن رهبر، حاکمیت خود را هم از جانب شرع و هم از جانب انتخاب مردم کسب می‌کند و به عبارت دیگر، مشروعیت و مقبولیت را با هم داراست. او در این باره می‌گوید: تعیین مرجع گواه بر امت به وسیله صفات و مشخصات عمومی است که از سوی خداوند پیش‌بینی شده است؛ ولی تطبیق آنها با مراجع، به عهده خود امت است که باید مسئولیت انتخاب را آگاهانه انجام دهند (صدر، ۱۳۹۹، ۵۴). لازم به ذکر است که منظور شهید صدر از حاکمیت شرعی همان حاکمیت الهی است و حاکمیت مردمی همان اقبال عمومی؛ مانند پذیرش عمومی امام راحل از طرف مردم و یا انتخاب مقام معظم رهبری حضرت آیت الله خامنه‌ای توسط مجلس خبرگان رهبری است.

این دیدگاه نیز در اصل ۱۰۷ قانون اساسی مصوب ۱۳۵۸ منعکس گردیده است:

هرگاه یکی از فقهای واجد شرایط مذکور در اصل پنجم این قانون، از طرف اکثریت قاطع مردم به مرجعیت و رهبری شناخته و پذیرفته شود، همان گونه که در مورد مرجع عالیقدر تقلید و رهبر و بنیانگذار انقلاب اسلامی ایران حضرت آیت الله العظمی امام خمینی<sup>(ه)</sup> چنین شده است، این رهبر ولایت امر و همه مسئولیت‌های ناشی از آن را برعهده دارد. در غیر این صورت، خبرگان منتخب مردم در مورد کسانی که صلاحیت رهبری دارند، بررسی و مشورت می‌کنند؛ هرگاه یک مجتهد را دارای برجستگی خاص برای رهبری کشف یا بیابند، او را به عنوان رهبرانتخاب و به مردم معرفی می‌نمایند.

مشارکت سیاسی امت در تمام ابعاد حکومت وجود دارد و دولت نیز باید زمینه مشارکت همه جانبه امت در فرآیند تصمیم‌گیری در حکومت اسلامی را فراهم کند. بند ۸ اصل سوم متأثر از همین نظریه، دولت را موظف می‌سازد تا همه امکانات خود را برای مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش، به کار برد. ابزارهای اعمال قدرت توسط مردم عبارتند از:

۱. مشارکت در انتخاب مرجع عام (رهبر)؛ همان گونه که گفته شد، این نقش در اصل

۱۰۷ قانون اساسی مصوب ۱۳۵۸، هم به طور غیر مستقیم و هم به طور مستقیم به





رسمیت شناخته شده است. پس از بازنگری قانون اساسی در سال ۱۳۶۸ این مشارکت تنها به طور غیرمستقیم و به وسیله مجلس خبرگان که منتخب مردم‌اند میسر گردید. البته قبل از بازنگری، انتخاب رهبر یا شورای رهبری با قید مرجع بود که قید مرجع به مجتهد یا فقیه عادل تغییر یافت و کلمه شورای رهبری حذف شد.

۲. مشارکت در همه پرسش‌های اساسی و سرنوشت ساز؛ شهید صدر معتقد است: در مسائلی که سرنوشت حکومت را تعیین می‌کند، به آراء مردم مراجعه شود. به طور کلی، قانون اساسی طبق اصل ششم، اداره امور کشور را تنها از راه اتکا به آراء عمومی معتبر می‌داند. همچنین با توجه به اصل ۵۹ اعمال قوه مقننه در مسایل بسیار مهم اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، از راه همه پرسش و مراجعه مستقیم به آراء مردم صورت می‌گیرد.

۳. انتخاب رئیس قوه مجریه (رئیس جمهور) و نمایندگان قوه مقننه (مجلس حل و عقد)؛ همان گونه که از نظر شهید صدر قوه مجریه و قوه مقننه نماینده امت هستند (صدر، ۱۳۵۹، ۱۳). بنابراین، رئیس قوه مجریه و نمایندگان قوه مقننه از سوی مردم انتخاب می‌شوند. این نظریه به صراحت، در اصل ۱۱۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در انتخاب مستقیم رئیس جمهور از سوی مردم، و در اصل ۶۲ در تشکیل قوه مقننه از نمایندگان ملت، که با رأی مستقیم مردم انتخاب می‌شوند، تکرار شده است.

۴. انجام فعالیت‌های سیاسی به صورت آزادانه همچون تشکیل احزاب و سازمان‌ها در چارچوب قوانین از دیگر مسئولیت‌های امت محسوب می‌شود که در اصل ۲۴ درباره آزادی مطبوعات، اصل ۲۶ آزادی احزاب و اصل ۲۷ آزادی تشکیل اجتماعات و راهپیمایی‌ها آمده است.

۵. تشکیل شوراهای گوناگون با جلسات مشورتی؛ مردم در حکومت اسلامی حق تشکیل شورا و حل و فصل امور حکومتی را از طریق آن دارند. شوراها از مهمترین و در عین حال، بدیع‌ترین مفاهیم قانون اساسی هستند. اهمیت شوراها تا آنجاست که یکی از فصول آن (فصل هفتم قانون اساسی) به این موضوع اختصاص یافته است. اصل ۷ نیز شوراها را از ارکان تصمیم‌گیری و اداره کشور می‌داند. طبق دستور قرآن «و امرهم شوری بینهم» (شوری: ۲۸) و «شاورهم فی الامر» (آل عمران: ۱۵۹) شوراها، مجلس شورای اسلامی، شوراهای استان، شهرستان، شهر، محل، بخش، روستا و مانند اینها از ارکان تصمیم‌گیری و اداره امورند.

در پیشنهاد دیگر شهید آیت الله صدر آمده است: با توجه به خلافت الهی انسان، قوه مقننه و مجریه به طور مستقیم مستند به مردم هستند و بدین شکل عهده‌دار این دو امر می‌شوند: مردم با رأی خود، رئیس دولت را انتخاب می‌کنند. رهبر یا پیش از انتخابات، صلاحیت نامزدها را تایید می‌کند یا پس از انتخابات، رأی مردم را تنفیذ می‌کند. (با توجه به ماده چهارم طرح) این تنفیذ، امری صرفاً تشریفاتی نیست بلکه مقوم مشروعیت قوه مقننه است.

در قانون اساسی ایران، این وظیفه بر عهده شورای نگهبان قرار داده شده است که نیمی از آنان فقیه و منتخب رهبر هستند و نیمی دیگر تحت عنوان حقوقدانان با پیشنهاد رئیس قوه قضائیه و انتخاب مجلس شورای اسلامی برگزیده می‌شوند و صلاحیت نامزدها را پیش از انتخابات تایید می‌کنند. و رئیس دولت اعضای دولت را تعیین می‌کند و مجلس شورای اسلامی که بطور مستقیم توسط مردم برگزیده شده‌اند، به آنها رأی اعتماد می‌دهد.

وظایف این مجلس عبارتند از: (الف) رسمی کردن عضویت اعضای دولت (با دادن رأی اعتماد به آنها) (ب) قانون‌گذاری در منطقه الفراغ (ج) نظارت بر مصوبات در اجرای قوانین (د) حق سؤال و استیضاح کابینه (صدر، ۱۳۵۹، ۱۴-۱۳).

#### ب: رهبری

شهید صدر درباره رهبری معتقدند: رهبری یا (مرجع صالح و رشید) یکی از ارکان بنیادی حکومت اسلامی است که مشروعیت خود را از ناحیه شرع و حاکمیت و مقبولیت خود را از انتخاب مردم به دست آورده است و مشروعیت و مقبولیت را توأمأ داراست. (همان) مرجعیت دارای دو بعد است: ۱. بعد عملی و اجتهادی؛ ۲. بعد اجتماعی - سیاسی. در نظر وی، مرجع گواه است (صدر، ۱۳۹۹، ۲۲-۲۱) و وظیفه او نظارت و مراقبت بر مسیر و حرکت امت در جهت تحقق خلافت عمومی انسان در زمین است؛ زیرا حکومت اسلامی در عصر غیبت، از ترکیب دو خط گواهی و نظارت مرجع عام و خلافت و حاکمیت امت به وجود می‌آید.

ویژگی‌های مرجع ناظر بر حکومت را که در واقع نقش رهبری و راهنمایی فکری - عقیدتی را بر عهده دارد، شارع مقدس تعیین نموده ولی انتخاب شخص او بر عهده امت است. اضافه بر این، مرجع ناظر باید دارای چهار ویژگی علم، عدالت، آگاهی سیاسی «الوعی علی الواقع القائم» و کفایت و شایستگی باشد. کفایت و شایستگی نیز از چهار عنصر حکمت، تعقل و درایت، صبر، و شجاعت تشکیل می‌شود. امت با تشخیص این ویژگی‌ها در مراجع، مرجع ناظر را انتخاب می‌نماید





که از وی به نایب عام امام معصوم (علیه السلام) از ناحیه شارع مقدس تعبیر می- گردد (صدر، ۱۳۵۹، ۱۶-۱۵).

به طور کلی، مرجعیت از مفاهیم کلیدی قانون اساسی پیش از تجدید نظر سال ۱۳۶۸ بود. مطابق بند اول اصل ۱۰۹ قانون اساسی مصوب ۱۳۵۸ اولین شرط مقام رهبری، مرجعیت بود که در تجدید نظر سال ۱۳۶۸، جای خود را به صلاحیت علمی لازم برای افتا در ابواب فقه داد.

شهید صدر معتقد بود که رهبر جامع اسلامی باید مجتهد مطلق باشد و توانایی استنباط در تمامی ابواب فقه را داشته باشد (همان، ۵۹). این نظریه در قانون اساسی مصوب ۱۳۵۸ نیز وجود داشت. شورای بازنگری قانون اساسی درباره حذف مرجعیت از قانون اساسی دچار تردید بود که با نامه اردیبهشت ماه ۱۳۶۸ حضرت امام خمینی قدس سره الشریف این تردید برطرف شد و عنوان مرجعیت از بند اول اصل ۱۰۹ حذف گردید.

به نظر می‌رسد اگر امام راحل عظیم الشان این درایت را لحاظ نمی‌کردند در انتخاب رهبری پس از ایشان احتمالاً مجلس خبرگان دچار مشکلات فراوانی بود زیرا مراجع معظم تقلید وقت به دلیل کهولت سن و ضعف تدبیر سیاسی صلاحیت پذیرش مقام رفیع رهبری را نداشتند.

در باب اختیارات و صلاحیت‌های حاکم اسلامی نیز آراء فقهی - سیاسی شهید صدر در خور توجه است. از دیدگاه ایشان، ولایت مرجع در امور ذیل تحقق می‌یابد:

۱. مرجع عالی‌ترین مقام دولتی (المثل الاعلی) و فرمانده کل نیروهای مسلح است. (همان، ۱۴) اصل ۱۱۳ قانون اساسی ج.ا.ا. مقام رهبری را عالی‌ترین مقام رسمی کشور می‌داند، همچنین بند ۴ اصل ۱۱۰ فرماندهی نیروهای مسلح را از صلاحیت‌های رهبری برمی‌شمارد.

اگر جریان بنی‌صدر و جریان‌های پس از انقلاب اسلامی به ویژه اغتشاشات پس از انتخابات مرحله دهم ریاست جمهوری اسلامی ایران مورد ارزیابی و مطالعه قرار گیرد به‌جایبودن و کلیدی‌بودن این اصول را به راحتی می‌توان دریافت و پاکی و بلند مرتبه بودن اندیشه امام راحل و شهید صدر را با جان و دل می‌توان لمس نمود.

۲. مرجع نامزدی فرد یا افرادی را که برای ریاست قوه مجریه معرفی می‌شوند، تایید می‌کند. علاوه بر این، امضا یا تنفیذ حکم ریاست جمهور منتخب مردم به عهده

اوست (همان). بند ۹ اصل ۱۱۰ امضای حکم ریاست جمهوری پس از انتخابات مردم را از وظایف رهبری می‌داند.

۳. مطابق بند ۳ ماده ۴ طرح شهید صدر تشخیص تطابق مصوبات مجلس با شرع، به عهده رهبر است. البته ایشان در ادامه این ماده می‌افزاید: رهبر با تشکیل مجلسی به نام شورای مرجعیت برخی مسئولیت‌های خود را بر عهده آنان می‌گذارد. وظیفه انطباق مصوبات با شرع در قانون اساسی هم لحاظ شده است، اما شورایی با این عنوان در قانون اساسی ایران وجود ندارد و وظایف به شورای نگهبان داده شده است که مستقیماً از سوی رهبری نصب می‌شوند. بر اساس بندهای ۳، ۴ و ۵ ماده ۴ طرح شهید صدر، اگر در انطباق مصوبات مجلس با شرع و قطعی شدن قوانین اجتماعی اختلافی حاصل شود، رهبر نهادی برای بررسی و رفع اختلاف در نظر می‌گیرد، این نهاد منطبق با مجمع تشخیص مصلحت نظام است که در اصلاحات سال ۱۳۶۸ وارد قانون اساسی شد (اصل یکصد و دوازدهم).

طبق بند ۶ ماده ۴ شهید صدر تشکیل محاکم برای دادخواهی مردم (ایجاد قوه قضاییه) از وظایف رهبر است. از دیدگاه ایشان، قوه قضاییه بخشی مستقل در حکومت است که استقلال آن ضامن اجرای عدالت است. اصل صدور شصت و هفتم قانون اساسی هم بر استقلال قوا تأکید می‌ورزد.

همچنین به موجب بند ۱ و ۲ ماده ۴ طرح شهید صدر، مشروعیت دولت به واسطه رهبر است و ریاست جمهور با تنفیذ رهبری مشروعیت پیدا می‌کند. این مسئله در مورد قوه مقننه نیز صدق می‌کند. این موارد هر چند به صراحت در قانون اساسی نیامده اما از مفاد اصول پنجم و پنجاه و هفتم که قوا را تحت ولایت رهبر می‌داند استنباط می‌شود. حضرت امام نیز با تأکید بر این مسأله چنین می‌فرماید:

چون مشروعیت رئیس جمهور باید با نصب فقیه جامع الشرائط باشد، این جانب رأی ملت شریف را تنفیذ و ایشان را به سمت ریاست جمهوری اسلامی ایران منصوب نمودم (صحیفه نور، ۱۲، ۱۸۰).

لازم به یادآوری است که رأی مردم درباره انتخاب رئیس جمهور پس از اینکه فردی حائز اکثریت آرا شد باید توسط نمایندگان رهبری که تحت عنوان شورای نگهبان هستند تأیید شود انتخاب یک نماینده در مجلس هم تابع همین روش است چنان که رئیس جمهور





پس از تأیید انتخابات توسط شورای نگهبان باید حکمش به تنفیذ رهبری برسد، ولی نمایندگان مجلس شورای اسلامی پس از تأیید انتخابات توسط شورای نگهبان می‌بایست اعتبارنامه آنان توسط اعضای مجلس شورای اسلامی تصویب شود.

### ج. ساختار سیاسی حکومت

چنان که بیان شد آیت الله صدر از بین قوای سه‌گانه، دو قوه مجریه و مقننه را منتسب به مردم می‌داند که کار آنها قانون‌گذاری در حوزه منطقه‌ال فراغ و اجرای قوانین است. مرجع نیز درباره این دو قوه نقش نظارتی دارد. شهید صدر تصریحی به استطلاعی یا استصوابی بودن این نظارت ندارد ولی از ظاهر عبارتش به نظر می‌رسد نظارت استصوابی مورد نظر او بوده است. قوه قضاییه نیز که وظیفه دادخواهی و قضاوت را برعهده دارد، منتسب به مرجع است.

قوه مقننه: از دیدگاه شهید صدر مردم با انتخاباتی آزاد و مستقیم، مجلسی از اهل حل و عقد (نخبگان و متخصصان) به وجود می‌آورند که به وضع قوانین در منطقه الفراغ می‌پردازد و دارای وظایف ذیل است:

۱. رسمی کردن وزرایی که رئیس قوه مجریه برگزیده است (از طریق دادن رای اعتماد)؛
۲. برگزیدن یکی از آرای اجتهادی طبق مصالح مردم؛
۳. پرکردن بخش آزاد قانون‌گذاری (منطقه الفراغ) با وضع و تصویب قوانین مناسب؛
۴. نظارت بر اجرای قوانین مصوب و مراقبت و نظارت بر قوه مجریه با داشتن حق مؤاخذة و استیضاح (صدر، ۱۳۵۹، ۱۴).

اصل ۷۱ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران اجازه قانون‌گذاری در عموم مسائل را از صلاحیت‌های مجلس دانسته و اصول ۸۷ و ۱۳۳ نیز ناظر به رأی اعتماد مجلس به وزرا است. در اصول ۸۸، ۸۹ و ۹۰ که به لزوم پاسخ‌گویی رئیس جمهور و وزرا به مجلس، حق استیضاح نمایندگان و پاسخ‌گویی به شکایات رسیده از قوای سه‌گانه اشاره دارد، تأثیر آراء شهید صدر انکار ناپذیر است.

از نظر ایشان قوه مقننه را مردم انتخاب می‌کنند ولی قوانین وضع شده باید به نظر مرجع عام (رهبر) یا شورای منتخب او (که آن را مرجعیت نام می‌نهد) برسند تا تعارضی با قوانین شرع (احکام اولیه) نداشته باشند. بسیاری از آرای شهید صدر، هم به شکل صوری و هم مفهومی مانند آراء و اندیشه‌های امام راحل است اما برخی از نظرات ایشان به شکل صوری و نه مفهومی با نظرات حضرت امام تفاوت دارد، مانند کلمه مرجع بجای ولی فقیه، شورای مرجعیت بجای شورای نگهبان، نهاد رفع اختلافات بجای مجمع تشخیص مصلحت نظام.

قوه مجریه: قوه مجریه منتسب به مردم است و این نهاد براساس « حق خلافت عمومی انسان در تعیین سرنوشت خود » مبتنی است که از حاکمیت مطلق خداوند بر جهان هستی انسان نشأت می‌گیرد. شهید صدر می‌نویسد:

بر مردم لازم است که رئیس قوه مجریه را پس آن که از سوی مرجع، نامزد این مقام گردید (یا نامزدی‌اش مورد تأیید او قرار گرفت) انتخاب نمایند و رئیس جمهور منتخب، خود اعضای حکومتی‌اش را معین و به مجلس معرفی می‌نماید (همان، ۱۴-۱۳).

اصول ۱۳۳، ۱۳۵ و ۱۳۶ که به نحوه انتخاب و معرفی وزرا از سوی رئیس جمهور تکیه دارد نیز متأثر از همین نظریات ایشان است.

وظیفه اساسی قوه مجریه از دیدگاه شهید صدر اجرای احکام اولیه شریعت و قوانین مصوب قوه مقننه که مسئولیت اول بر مبنای تنفیذ حکم رئیس قوه مجریه توسط مرجع عام و مسئولیت دوم براساس انتخاب رئیس جمهور از سوی مردم انجام می‌گیرد.

قوه قضاییه: وجود قوه قضاییه در واقع ضمانتی برای اجرای احکام اسلام و قوانین مصوب نمایندگان مردم است. با توجه به جایگاه عدالت در دولت اسلامی اهمیت این قوه بیش از پیش آشکار می‌گردد. از نظر شهید صدر قوه قضاییه بخش مستقلی از حکومت است که جز در موارد ضرورت، دولت جایز نیست حق قضاوت را به کسانی غیر مجتهد عادل واگذار نماید. تشکیل قوه قضاییه و دادگاه‌ها از اختیارات مرجع حاکم است و مرجع برای رسیدگی به شکایات مراجعین و حفظ حقوق ستم دیدگان، در تمام نقاط کشور محاکمی برپا می‌دارد (همان، ۱۵).

اصل ۱۵۶ قانون اساسی، قوه قضاییه را نهادی مستقل می‌شناسد که پشتیبان حقوق فردی و اجتماعی و مسئول تحقق بخشیدن عدالت در جامعه است. همچنین اصل ۱۶۳ صفات و شرایط قاضی را ماکول به موازین فقهی نموده است. اصل ۱۵۷ نیز با توجه به این که حق قضاوت در واقع از آن حاکم اسلامی است، انتخاب رئیس قوه قضاییه را به منظور انجام مسئولیت‌های قضایی در تمام امور، از وظایف مقام رهبری می‌داند. نکته حائز اهمیت در این زمینه از نظر شهید صدر، استقلال قوه قضاییه و عدم وابستگی آن به تشکیلات تقنینی و اجرایی حکومت و تساوی همگان در پیشگاه قانون است (همان).





تجربه تاریخی به ما نشان داد که رهبر حکومت اسلامی یعنی امام علی(ع)، در کنار یک شهروند شاکی در مقابل قاضی حاضر شد و بدین گونه قوه قضاییه هر دو طرف را یکسان احضار نمود تا میانشان داوری نماید و بدین سان، حکومت اسلامی برترین نمونه‌ای برای مساوات و برابری میان فرمانروایان و زیردستان در مقام قضاوت و عدالت ارائه می‌کند (صدر، ۱۳۶۴، ۱۹-۱۸).

در قانون اساسی نیز ذیل اصل ۱۰۷ اذعان می‌گردد که مقام رهبری در برابر قوانین با سایر افراد کشور مساوی است.

قسمتی از ماده ۵ طرح شهید صدر به آزادی اقلیت‌های دینی در انجام مراسم دینی خود اشاره دارد. مطابق اصل سیزده قانون اساسی، جمهوری اسلامی ایران اقلیت‌های مذهبی کلیمی، مسیحی و زرتشتی را به رسمیت شناخته است و آنها به شرح ذیل مجاز به انتخاب نماینده جهت عضویت در مجلس شورای اسلامی هستند: زرتشتیان و کلیمیان هر کدام یک نماینده، مسیحیان کلدانی و آشوری مجموعاً یک نماینده و مسیحیان ارمنی جنوب و شمال هر کدام یک نماینده؛

#### اقتصاد اسلامی

ماده ۶ طرح شهید صدر بر رفع تبعیض و نظام طبقاتی و برقراری اقتصاد سالم تاکید دارد. ایشان در تبیین ارکان اقتصاد اسلامی، سه رکن ذکر می‌کند که رکن سوم آن عدالت اجتماعی است. وی هدف اسلام در عرصه اقتصاد را تحقق بخشیدن به عدالت اجتماعی می‌داند (صدر، ۱۳۵۹، ۲۸).

دولت باید وضعیتهایی که عدالت اجتماعی را به خطر می‌اندازد شناسایی کرده و با سیاست‌های مناسب جلوی آنها را سد نماید (همان، ۱۱۴)؛ از جمله این که دولت باید از هرگونه ثروتی که زاییده احتکار ارزش‌های نقدی و بهره‌های ربوی باشد، جلوگیری کند (همان، ۱۲۷)؛ چنان که امیرالمومنین علی (علیه السلام) به مالک اشتر فرمودند:

برخی بازرگانان نیازمندی‌ها و مواد خوراکی مردم را می‌اندوزند. این کار بر مردمان زیان بار است و بر حاکم عیب. بنابراین از احتکار جلوگیری کن که پیامبر خدا مردمان را از آن باز داشته است، داد و ستد باید آسان و از روی عدالت انجام گیرد. قیمت اجناس باید چنان باشد که نه فروشنده زیان ببیند نه خریدار. محتکر را پس از



آن که از احتکار بر حذر داشته شد و مرتکب آن گردید به سزای کردارش برسان؛ اما در مجازات زیاده روی نکن (همان، ۱۵۲).

ایشان در جای دیگر می‌فرماید: دولت اسلامی باید یک زندگی همسان آمیخته با رفاه و آسایش برای همه افراد جامعه از راه بالا بردن زندگی مستمندان و جلوگیری از زیاده روی و اسراف توانگران فراهم نماید و با جلوگیری از تمرکز و انباشته شدن سرمایه، عدالت اجتماعی را برقرار سازد. دولت باید با وضع مالیات برپول‌های انباشته، از رکود آنها جلوگیری کند. (تا به جریان تولید تزریق شود) و واسطه‌های زاید بین تولید و مصرف را حذف کند (بیات و شوشتری، ۲۸).

وظایف دولت اسلامی در قبال جامعه اسلامی این است که از راه درآمدهای همگانی، آموزش را در تمام مراحلش و نیز خدمات پزشکی و بهداشتی را رایگان نماید (همان، ۹۹). این موارد در اصل چهل و سوم و بند های ۹ و ۱۲ اصل سوم قانون اساسی لحاظ شده است.

همچنین مطابق اصل سی‌ام قانون اساسی دولت موظف است وسایل آموزش و پرورش رایگان را برای همه ملت تا پایان دوره متوسطه فراهم سازد و وسایل تحصیلات عالی را تا سرحد خود کفایی کشور به طور رایگان گسترش دهد. در ذیل ماده ۶ طرح شهید صدر آمده است: جمهوری اسلامی فریادرس همه مستضعفان جهان به ویژه مسلمانان است. مطابق بند ۱۶ اصل سوم، جمهوری اسلامی موظف به رعایت تعهد برادرانه نسبت به همه مسلمانان و حمایت بی‌دریغ از مستضعفان جهان شده است.

طرح چهارگانه فقهی شهید صدر به قرار ذیل است:

- ۱- ولایت اصالتاً برای کسی جز خدا نیست.
  - ۲- فقیه جامع‌الشرائط نیابت سمت عامه امام زمان (علیه‌السلام) و ولایت و نظارت را برعهده دارد؛
  - ۳- خلافت عمومی مردم براساس شورا که به آنها حق می‌دهد با اشراف نایب امام (علیه‌السلام) عهده‌دار امور خود باشند.
  - ۴- نظریه اهل سنت (حل و عقد) که باید با توجه به قاعده شورا و نظارت رهبر به صورت مجلسی درآید که اعضای آن نماینده واقعی مردم باشند (صدر، ۱۳۵۹، ۱۷).
- ایشان در تتمه بحث خود می‌گوید:





حکومت اسلامی دارای تمام امتیازات دموکراسی است بدون آن که نواقص آن را دارا باشد و آن را از انحراف مصون می‌دارد. در نظام دموکراسی، مردم منبع قدرت هستند ولی در اسلام مردم خلیفه و جانشین خداوندند. پایگاه مسئولیت در برابر او هستند. در دموکراسی، قانون پدیده‌ای انسانی است و در بهترین شکل آن که به ندرت واقع می‌شود، اکثریت بر اقلیت تحکم می‌نمایند و حق آنها را نابود می‌کنند. ولی در اسلام بخش ثابت قانون اساسی، احکام الهی و این دسته از احکام الهی ضامن واقع‌بینی قانون اساسی است و نمی‌گذارد هیچ گونه تبعیضی به وجود آید (همان، ۱۸).

### نتیجه

با تطبیق و مقایسه طرح پیشنهادی شهید صدر و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، می‌توان به تأثیر قابل توجه اندیشه او در قانون اساسی پی‌برد. ویژگی مهم مباحث شهید صدر در باب قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران این است که ایشان حرکت خود را از نقطه‌ای آغاز نمود که امام راحل قدس سره در آنجا پایان داده بود. شهید صدر با مبنا قراردادن نظریه ولایت فقیه به تشریح ابعاد حقوق اساسی در اسلام پرداخت و با ترکیب اسلامیت و جمهوریت، طرحی نوین ارائه داد که نخستین نمونه از یک قانون اساسی منسجم اسلامی بود. قانون اساسی پیشنهادی ایشان دارای ویژگی‌های زیر است:

۱. نهادینه کردن نقش فقاقت در قانون اساسی و تحکیم موقعیت و جایگاه حقوقی مرجعیت به عنوان نهادی که طی سالیانی دراز، در اعماق جامعه تشیع رسوخ کرده و ریشه دوانیده است.

۲. شهید صدر در کنار پذیرش ولایت فقیه به عنوان منشأ مشروعیت الهی، از نقش مردم در تعیین سرنوشت خویش غافل نشد و با اعطای حق انتخاب به ملت در همه ابعاد و جوانب حکومت، توانست تضاد میان مشروعیت و مقبولیت را بر چیند.

مردم در دیدگاه آیه الله شهید صدر تنها از یک نقش تشریفاتی و صوری برخوردار نیستند بلکه در انتخاب و تعیین همه ارکان نظام اسلامی، نقش ویژه و

منحصر به فردی ایفا می‌نمایند. ولی فقیه به عنوان رکن اصلی نظام اسلامی، نمی‌تواند بدون پذیرش مردمی و مقبولیت ملی، قدرت را به دست گیرد. مرجع (رهبر) به صورت مستقیم یا غیر مستقیم منتخب مردم است. قوه مجریه و مقننه نیز بر خاسته از رأی مردم است و بدون رأی مردم مقبولیت ندارد. قوه قضاییه به وسیله رهبری ایجاد می‌شود که او هم به نحوی منتخب ملت است. بنابراین، تمام مهره‌های قدرت در دولت اسلامی در دست ملت است.

۳. شهید صدر همه آحاد ملت از مسلمانان و غیرمسلمان را در حق آزادی، کرامت و مشارکت همه جانبه اجتماعی و همه حقوق انسانی دیگر مساوی و یکسان می‌داند و برای همگان، حق آزادی مذهبی قایل است. علاوه بر این، ایشان تصریح می‌کند که همه افراد ملت از حاکم و محکوم، همگی در مقابل قانون یکسان بوده و هیچ کس بر دیگری امتیاز و رجحانی ندارد.

۴. برای مقابله با نفوذ عوامل گوناگون در ارکان قدرت، همچون تقلب در انتخابات، استفاده نامشروع از اهرم‌های مالی و اقتصادی برای به دست گرفتن قدرت و تبلیغات انحرافی و گمراه کننده، انتخاب رئیس جمهور باید به تأیید رهبر برسد و این تنفیذ به حاکمیت رئیس جمهور مشروعیت می‌بخشد. روشن است که رهبر بدون دلیل کافی و مستند، مجاز به ابطال رأی مردم نیست. همچنین برای پیشگیری از تصویب و اجرای قوانین مخالف شریعت اسلام که دین رسمی کشور و مورد پذیرش اکثریت قریب به اتفاق ملت ایران است، رهبر(یا مستقیماً یا با تفویض مسئولیت به شورای ویژه) باید قوانین مصوب مجلس را تحت نظارت قرار دهد و از اجرای قوانین غیر اسلامی ممانعت به عمل آورد. این وظیفه در قانون اساسی بر عهده شورای نگهبان قرار داده شده است.

۵. دولت اسلامی از دیدگاه آیه الله صدر از اهدافی والا برخوردار است و خود را تنها محدود به اداره امور مادی و حیوانی جامعه نمی‌داند بلکه در صدد است تا به تدریج جامعه را به سمت تعالی و کمال معنوی رهنمون سازد.

۶. شهید صدر پیشنهاد می‌کند که فرماندهی کل قوا به دست ولی فقیه سپرده شود.  
۷. آیه الله صدر برای نخستین بار، حقوق اساسی را بصورت مجزا از متن قرآن و روایات استخراج و بر مبنای روش‌های علمی تدوین نمود. در واقع ایشان را باید یکی از معماران حقوق و قانون اساسی اسلام دانست البته هیچ‌کس مدعی آن نیست که طرح و





نظریه شهید صدر کامل و بدون عیب و نقص است بلکه اندیشه ابداعی ایشان همچون هر نظریه نو بنیاد دیگر، از برخی اشکالات برخوردار است که در برخی موارد، با تطبیق بر نظام جمهوری اسلامی ایران آشکار شد و مورد اصلاح قرار گرفت (الملاط، ۱۰۱-۸۱).

#### منابع

- ۱- الملاط، شبلی، تجدیدالفقه الاسلامی، غسان غضن بیروت: دارالنهار، ۱۹۹۸.
- ۲- اندیشه ماندگار ۱، دبیرخانه کنگره بین المللی آیه الله العظمی صدر، قم: شهریور ۱۳۷۹.
- ۳- اندیشه ماندگار ۲، مصاحبه با آیه الله سید محمد باقر حکیم، قم: آذر ۱۳۷۹.
- ۴- انصاری، محمدابراهیم، احیاء موات تقریرات درس شهید صدر، بیروت: دارالتعارف للمطبوعات، ۱۴۱۳.
- ۵- دکمچیان، هریر، جنبش های اسلامی معاصر در جهان عرب، ترجمه حمید احمدی، چ سوم، تهران: کیهان، ۱۳۷۷.
- ۶- شفیع مازندرانی، سید محمد حسین، درس هایی از وصیت نامه امام خمینی، قم: ۱۳۸۷.
- ۷- صحیفه نور، ج ۱۲، ص ۱۸۰.
- ۸- صدر، سیدمحمدباقر، اقتصادنا، مشهد: مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۳۷۵.
- ۹- الاسلام یقود الحیاه، قم: مرکز الابحاث والدراسات التخصصیه للشهید صدر، ۱۴۲۱.
- ۱۰- -----، المدرسه الاسلامیه، تهران: مکتبه اعتماد کاظمی، ۱۴۰۱.
- ۱۱- -----، خلافه الانسان و شهاده الانبیاء، بیروت: دار التعارف للمطبوعات، چ دوم، ۱۳۹۹.
- ۱۲- -----، رسالتنا، تهران: توحید، ۱۴۰۷.
- ۱۳- -----، سر چشمه های قدرت در حکومت اسلامی، ترجمه اکبر ثبوت تهران: ثبوت، ۱۳۶۴.
- ۱۴- -----، طرح گسترده اقتصاد اسلامی، ترجمه فخرالدین شوشتری، تهران: بدر، ۱۳۵۹.

- ۱۵- ----- ، لمعه فقيهه تمهيديه عن مشروع دستور الجمهوريه الاسلاميه في ايران، تهران: بنياد بعثت، ۱۳۵۹.
- ۱۶- قانون اساسي، جلد ۱۱، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامي، ۱۳۶۸.
- ۱۷- مركز پژوهش هاي اسلامي صدا و سيما، قم: ۱۳۸۴.
- ۱۸- معموري، علي، نظريه سياسي شهيد صدر قم: اشراق، ۱۳۷۹.
- ۱۹- نهادهای اقتصادي اسلام، ترجمه غلامرضاييات و فخرالدین شوشتری تهران: بدر، ۱۳۵۸.

